

## شیوه‌های کنترل و نظارت بر عملکرد کارگزاران در مدیریت علوی

علیرضا میرزایی\*

### چکیده

هر نظام حکومتی برای ادامه حیات، کارآمدی و جلب رضایت مردم نیازمند مدیرانی صالح، کاردان و متعهد است. این امر نیازمند تقویت بنیه اعتقادی و باورمندی دینی آنان است که با خودکنترلی و خویشتن‌بانی مستمر به حفظ صلاحیت‌های مورد نظر کمک می‌کنند و به عنوان پروژه مکمل رصد و پایش مستمر کارگزاران حکومتی و صاحبان قدرت، دارای ضرورت تام است که در معرض خطر انحراف هستند. ایمن‌سازی جامعه و حکومت نیازمند مرکزی هوشمند برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل و پردازش اخبار واصله و تبدیل آن به اطلاعات قابل بهره‌برداری و تصمیم‌گیری بر اساس آن است. در منهج و مسلک علوی، حکومت، هدف محوری و در جهت تعالی جامعه و توسعه و تعمیق معنویت و پرورش انسان‌های ربّانی است و به همین دلیل به کنترل نظامند و رصد هوشمند و سیال و اقتضایی کارگزاران که در مهندسی فرهنگ عمومی نقش تاثیرگذاری دارند، توصیه اکید شده است. جامعه‌سازی سالم و پارسا در این منظر از حلقه نخبگان سیاسی و مدیریتی به صورت هدفمند شروع و به بدنه جامعه تسری می‌یابد. گماشتن عین (جاسوس) و ایجاد شبکه جمع‌آوری اخبار و جامعه اطلاعاتی و اشرافیت اطلاعاتی بر حوزه حکومتی و تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات موقت، از ممشای مدیریتی امام علی (علیه السلام) قابل اصطیاد است. در این پژوهش با استناد به فرامین و رفتار مدیریتی آن حضرت (علیه السلام) پایش و رصد مستمر کارگزاران به صورت یک فرهنگ قابل تأسی و هنجارساز مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

## کلیدواژه‌ها: نظارت، جمع‌آوری، اشرافیت اطلاعاتی، اخبار، اطلاعات.

### مقدمه

در تاریخ تمدن اسلام، دوره حکومت کوتاه مدت امام علی (علیه السلام) یکی از قله‌های رفیع جامعه سالم انسانی و عدالت‌محور مردم‌نهاد دینی است. در این دوره تلاش مستمر معطوف به احیای سیمای واقعی حکومت دینی و ربّانی و اجرای عدالت اجتماعی بود. حضرت در این دوره تلاش کردند هم مبانی نظری و بنیادی حکومت اسلامی و انسانی و خصایص کارگزاران حکومتی را تبیین نمایند و هم آن مبانی را در مرحله عمل به منصه ظهور برسانند.

عصبیت‌های احیا شده بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و رخنه افراد دنیاطلب در نظام کارگزاری و توسعه قلمروی جامعه تحت حکومت اسلامی و برخورد با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر، مشکلات عدیده‌ای را برای اجرای منویات الهی حضرت علی (علیه السلام) پدید آورد. مرکز ثقل این مشکلات، تعدادی از کارگزاران ناکارآمد و غیرمذهب و مردم‌تنبل، بی‌انگیزه و فاقد دغدغه بود. ایشان در آسیب‌شناسی و ترمیم مشکلات حکومتی کنترل نظام‌مند کارگزاران را وجهه همت خود قرار دادند. بررسی فرامین و توصیه‌های حکومتی آن حضرت مبین این شیوه مدیریتی است.

مرام‌نامه حکومتی آن دوره با محوریت نامه ۵۳ منشوری جهانی و انسانی قابل تأسی است و به‌عنوان رفتار و گفتار معیار الگوگیری و هنجارسازی در جامعه اسلامی را در دسترس قرار می‌دهد و یکی از پیش‌فرض‌های بازتولید تمدن نوین اسلامی است و در جهان امروز موجب مفاخره و مباحی است.

درس بزرگ نظارت بر کارگزاران این است که گزینش اولیه حتی در حکومت معصوم (علیه السلام) برای استمرار صلاحیت افراد هر چند از شروط لازم است ولی کافی نیست و انسان به‌ویژه در مقام قدرت و ریاست در معرض لغزش است و علاوه بر ضرورت خودکنترلی درونی در پرتو باورهای دینی، نیازمند مراقبت بیرونی و رصد مستمر از سوی نظام نظارتی سالم است.

## توصیف چند واژه کلیدی

در فهم و درک درست موضوع هر پژوهشی، بررسی مباحث معناشناسانه<sup>۱</sup> و اصطلاح‌شناسی<sup>۲</sup> از اهمیت خاصی برخوردار است. ابهام در واژه‌های کلیدی، روند منطقی بحث را در حوزه تصور و تصدیق و قضاوت دچار مشکل خواهد کرد. لذا نظارت سازمانی در حوزه حکومتی به تشکیلاتی با مؤلفه‌های خاص نیاز دارد و پیش از هر چیز، منظومه معرفتی آن باید مورد شناخت کامل قرار گیرد.

### خبر:

گزاره‌ای غیر انشایی از واقع‌های که محتمل‌الوجهین است و احتمال صدق و کذب دارد.

### اطّلاع:

به خبر بررسی‌شده و پرورش‌یافته و تعیین موقعیت شده از حیث صدق و کذب که قابل بهره‌برداری سازمانی و مدیریتی است، اطلاق می‌شود.

### جمع آوری:

کلیه اقداماتی را که برای به‌دست آوردن اخبار و اطلاعات مورد نیاز از منابع خبری در راستای هدف مورد نظر صورت می‌گیرد، جمع‌آوری می‌گویند. جمع‌آوری به دو صورت آشکار و پنهان انجام می‌شود (آشنایی با حفاظت اطلاعات، ۱۳۸۳: ۱۰۰).

جمع‌آوری، یک فرآیند است و متشکل از منبع، عامل و موضوع مورد نظر می‌باشد. منبع خبر می‌تواند انسان، رسانه (وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، وسایل الکترونیکی)، کتب، اسناد، اشیاء، اماکن و تأسیسات و ... باشد.

### جامعه اطلاعاتی:

زمانی که دغدغه‌های امنیتی از مرکزی هوشمند، نخبه و تصمیم‌گیر به بدنه جامعه تسری یابد و در باورهای مردم بنشیند و دغدغه و دل‌مشغولی مشابه برانگیزد و در جامعه و فرهنگ عمومی اجماع‌سازی در مورد مخاطرات احتمالی و ضرورت مصونیت‌سازی شکل بگیرد و آحاد مردم در خصوص امنیت عمومی احساس مسئولیت نمایند و بر اساس این باور رفتار خاصی از آنها سر بزند، جامعه اطلاعاتی تشکیل می‌شود.

---

1. Semantics.

2. Terminology.

## گزارش‌نویسی:

گزارش، عبارت از انعکاس اخبار و اطلاعات به بهترین وجه به صورت شفاهی و یا کتبی است. گزارش باید به صورتی نوشته شود که خواننده و بهره‌بردار به سرعت، به صورت صحیح و واضح پیام را دریافت کند و اقدام لازم را انجام دهد. گزارش پایه و منشأ تصمیم‌گیری است (علوی فر، ۱۳۸۵: ۳۸۸)، لذا فرآیندی تصمیم‌ساز است. به این دلیل برای ارتقای کیفی گزارش رعایت چهار نکته ضروری است:

۱. مفید بودن گزارش؛
۲. خوانا بودن و رعایت نکات ادبی و نگارشی؛
۳. مبهم و گنگ نبودن گزارش و عدم استفاده از کلمات نامفهوم در آن؛
۴. رعایت وحدت موضوع در گزارش.

## نظارت:

نظارت و بازرسی به دو صورت انجام می‌گیرد:

۱. نظارت آشکار که با آگاهی قبلی و آمادگی نظارت‌شوندگان انجام می‌گیرد. در این نوع نظارت، می‌توان با سندسازی و رفتار تصنعی تا حدودی نظارت‌کنندگان را تحت تأثیر قرار دهد.
۲. نظارت پنهان که بدون آگاهی نظارت‌شوندگان و با استفاده از شبکه عیون و ابزار خاص انجام می‌گیرد. در این نوع نظارت، نمودهای واقعی و تأثیرات حقیقی رفتار مدیریتی مورد توجه است و به دور از صحنه‌سازی، سندسازی و رفتارهای تصنعی احتمالی، نظارت اعمال می‌گردد و کنش‌های واقعی ناشی از صرافت طبع نظارت‌شوندگان قابل مشاهده و ثبت است.

## ایجاد گفتمان و هنجارسازی و اجماع‌سازی برای نزاهت نفس در کارگزاران حکومتی

کنترل مدیران با دو مکانیسم مکمل، در تدابیر علی (علیه السلام) برنامه‌ریزی می‌گردد؛ از طریق نظارت درونی که جانمایه آن، تقوای دینی است و نظارت بیرونی که با ابزار عرفی و عقلانی صورت می‌گیرد. اصل در عالم هستی، عمل مطابق ناموس و سنت‌ خدایی و دین فطری است و از وظایف مهم حکومتی حاکمان اسلامی، احیای سنت‌های فراموش‌شده الهی است.

حضرت بعد از نفی هدف صرفاً دنیایی از برپایی حکومت، محورهای اصلی حکومت الهی خود را به صورت جامع‌الاطراف بیان می‌کنند:

لرد المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک، فیامن الظلومون من عبادک، و تقام المعطلة من حدودک؛ می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش برگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

تعظیم شعائر و نکوداشت دین، ناشی از باورمندی عمیق به دین است، به همین دلیل حضرت از کارگزاران می‌خواهد خود را در محضر الهی به صفات ممتاز و خصلت‌های منیع دینی بیارایند و از خصلت‌های نکوهیده غیردینی پرهیز کنند. اگر خویش‌تن‌بانی و مراقبت از خود و ممانعت از طغیان نفس برای هر مؤمن باورمندی پسندیده است، برای حاکم و پیشوای مؤمنین اولویت بیشتری دارد:

... امره بتقوی الله و ایثار طاعته و اتباع ما امر به فی کتابه من فرائضه و سننه التي لا یسعد احد الا بتابعها و لا یشقی الا مع جحودها و اضاعتها و ان ینصر الله سبحانه بقلبه و یده و لسانه فانه جل اسمه قد تکفل بنصر من نصره و اعزاز من اعزه و امره ان یکسر نفسه من الشهوات و [ینزعها] یزعها عند الجمحات فإن النفس امارة بالسوء الا ما رحم الله؛ ... او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه در کتاب خدا آمده، از واجبات و سنت‌ها را پیروی کند، دستوراتی که جز با پیروی آن، رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن جنایتکار نخواهد شد. به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد. به او فرمان می‌دهد تا نفس خود را از پیروی آرزوها باز دارد، و به هنگام سرکشی، رامش کند که همانا نفس همواره به بدی وامی‌دارد جز آنکه خدا رحمت آورد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

جوهر انسان مؤمن، عبودیت است. لذا هر نوع خودبزرگ‌بینی، آفت آن است و قدرت، از عوامل خودبزرگ‌بینی کاذب است.

و اذا احثت لک ما انت فیه من سلطانک ایهة او مخیلة فانظر الی عظم ملک الله فوقک و قدرته منک علی ما لا تقدر علیه من نفسک فان ذلک یطامن الیک من طماحک و یکف عنک من غریبک و ینفی الیک بما عزب عنک من عقلک ایاک و مساماة الله فی عظمته و التشبه به فی جبروته فان

الله ینذل کل جبار و ینین کل مختال؛ و اگر با مقامی و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خود بزرگ بینی شدی، به بزرگی پروردگار که برتر از تو است، بنگر که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تندرستی تو را فرو می‌نشانند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی بازمی‌گردانند. بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند پنداری و در شکوه خداوندی همانند او دانی، زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی‌ارزش می‌کند (همان).

التزام به دین و اکتساب خصلت‌های ممتاز به‌نحوی که حاکمان و کارگزاران صاحب قدرت در میدان جاذبه‌های کاذب اهداف دنیوی گرفتار نشوند، مورد اهتمام جدی در ممشای حکومت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است. التزام به دین و تعظیم شعائر دینی که از آن به‌یاری خدا و دین تعبیر می‌شود، موجب جلب نصرت و یاری خداوند است.

**اتخاذ روش‌های عقلانی و حکیمانه از موارد کارآمدی نظام مدیریتی و کنترل مدیران است.** دانستن، علم است ولی بکار بردن آن، فنّ و مهارت است و ترکیب آنها در مدیریت، لازمه کارآمدی است. لذا حضرت علی (علیه السلام) به مدیران یاد می‌دهند چگونه کار کنند که هم ضریب خطا پایین آید و هم به کارآمدی نظام کارگزاری منتهی شود.

عدم تعجیل در کار زمان‌بر.

و ایاک و العجلة بالامور قبل اوانها و التوانی فیها حین زمانها و امکاتها و اللجاجة فیها اذا تنكرت و الوهن اذا تبینت فان لكل امر موضعا و لكل حالة حالا؛ مبادا! هرگز در کاری که وقت آن نرسیده شتاب کنی، یا کاری که وقت آن رسیده، سستی ورزی و یا در چیزی که روشن نیست، ستیزه جویی نمایی و یا در کارهای واضح و آشکار کوتاهی کنی. تلاش کن هر کاری را در جای خود و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۶۸).

حضور در متن اجتماع، عامل واقع‌گرایی حاکمان است.

فلا تطولن احتجاجک عن رعیتک، فان احتجاج الولاية عن الرعية شعبة من الضيق، و قلة علم بالامور، و الاحتجاج منهم یقطع عنهم علم ما احتجوا دونه فیصغر عندهم الكبير، و یعظم الصغیر، و یقبح الحسن، و یحسن القبیح، و یشاب الحق بالباطل، و انما الوالی بشر لا یعرف ما تواری عنه الناس به من الامور، و لیست علی الحق سمات تعرف بها ضروب الصدق من الکذب؛ هیچ گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمامداران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، باز می‌دارد. پس

کار بزرگ، اندک و کار اندک، بزرگ جلوه می‌کند. زیبا، زشت و زشت زیبا می‌نماید و باطل به لباس حق در می‌آید. همانا زمامدار آنچه را که مردم از او پوشیده دارند، نمی‌داند و حق را نیز نشان‌هایی نباشد تا با آن، راست از دروغ شناخته شود (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

در نسبت حاکمیت و توده مردم در گفتمان علوی، توجه به چند امر به شرح زیر لازم است تا آنها وظایف و تکالیف خود را در مورد حاکمیت انجام دهند و موجب استحکام، قدرت و ثبات حکومت شوند. بدون رضایت‌مندی مردم و پشتیبانی آنان از حکومت، سستی در بنیان حاکمیت رسوخ می‌کند و در نهایت باعث فروپاشی آن می‌شود.

۱. به رسمیت شناختن افکار عمومی و اهمیت دادن به وجدان جمعی از اهم وظایف حاکمیت

است. امام علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید:

ان الناس ينظرون من امورک فی مثل ما کنت تنظر فیہ من امور الولاية قبلک و يقولون فیک ما کنت تقول فیهم و انما یستدل علی الصالحین بما یجری الله لهم علی السن عبادہ؛ مردم در کارهای تو چنان می‌نگرند که تو در کارهای حاکمان پیش از خود می‌نگری، و درباره تو آن می‌گویند که تو نسبت به زمامداران گذشته می‌گویی و همانا نیکوکاران را به نام نیکی می‌توان شناخت که خدا از آنان بر زبان بندگانش جاری می‌سازد (ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴-۱۳۶۳: ۱۲۶؛ نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

در فقره یاد شده، قضاوت مردمی به عنوان وجدان بیدار عمومی به رسمیت شناخته شده و آنچه به عنوان گفتمان غالب بندگان خدا مطرح می‌شود، در شناخت صالح از طالح، قضاوت مبنا و معیار معرفی شده است.

۲. به رسمیت شناختن حق سخن و اعتراض مردم، از وظایف مهم حکومت علوی است.

توصیه اکید حضرت به فرمانداران خود، مواجهه با مردم بدون حضور نگرهبانانی است که ممکن است حضورشان مانع بیان بی‌پرده خواسته‌های آنها باشد. مردم باید فرصت بیان مطالب را بدون واهمه و لکنت زبان داشته باشند. این بارعام صحنه دلدگیری از مردم‌سالاری دینی است. تعبیر معنی‌دار حضرت این است «حتی یکلمک متکلمهم غیر متمتع؛ تا گوینده آنها بدون اضطراب و لکنت زبان سخن گوید» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳).

اضطراب در بیان و لکنت زبان در جایی معنی دارد که حرف مردم اعتراضی باشد و معمولاً هم خوشایند حاکمان و متصدیان امور نیست. کلام بعدی حضرت مشیر به بیان آزادانه مطالب

اعتراضی است: «بارها از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمودند: مَلَّتِي كَه حَقِّ نَاتَوَانَانَ رَا اَز زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستانند، رستگار نخواهد شد» (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳).

سخن اعتراضی از روی حسن نیت و برای اصلاح اجتماع در مرامنامه علوی به رسمیت شناخته شده است. اعمال این حق از سوی مردم و تحمل حاکمیت هم در اصلاح امور و هم در تخلیه روانی جامعه و ممانعت از متراکم شدن عقده‌های فرو خورده و در نهایت انفجار اجتماعی و سرپیچی مدنی تأثیر غیرقابل انکاری دارد.

۳. به رسمیت شناختن حق نظارت مردمی؛

در مدل حکومت علوی، مردم حق نظارت بر رفتار حاکمان را دارند و شرعی بودن حاکمیت، مانع نظارت نیست؛ چون خود این نظارت از باب امر به معروف و نهی از منکر و نصح الائمّه (خیرخواهی پیشوایان) در نصوص دینی سفارش شده است. پیامد ناروای ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در حاکمیت بازتاب می‌یابد و به جای صالحین، اشرار در مصادر امور مستقر می‌شوند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۸۰).

از تکالیف مسلم مردم در رابطه با حاکمیت، نصیحت و خیرخواهی نسبت به پیشوایان است. خیرخواهی‌ای که از حقوق حاکمان و تکلیف مردم است، در نصوص دینی به‌عنوان یک گفتمان برای اصلاح امور مطرح شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

ثَلَاثٌ لَا يَغْلَىٰ عَلَيْهِنَ قَلْبُ امْرِئٍ مُّسْلِمٍ، اِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الزُّوْمُ

لِجَمَاعَتِهِمْ؛ سه چیز است که دل مسلمان نسبت به آن فراغت ندارد؛ انجام عمل خالص برای خدا،

خیرخواهی پیشوایان مسلمین و همراهی نمودن با اجتماع آنها (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۰۳).

در همین راستا، حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: از حقوق من به شما به‌عنوان حاکم اسلامی،

خیرخواهی در حضور و غیبت من است، «وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴).

امر به معروف و نهی از منکر و خیرخواهی در حضور و غیبت حاکمان و پیشوایان توسط

مردم، از ساز و کارهای خود کنترلی اجتماعی و اصلاح درون‌زای جامعه است.

پذیرش نظارت مردمی، احترام به شخصیت و اندیشه‌های آنان است چرا که قضاوت جمعی

در جامعه ایمانی و مهذب کم‌تر گرفتار خطا می‌شوند. از سوی دیگر واپایش اقدامات حاکمان



توسط مردم، از خطاهای فاحش در مدیریت کلان ممانعت نموده و از فساد و تباهی در قدرت و زوال زودسر آن جلوگیری می‌کند.

۴. جلب رضایت مردم؛

از محوری‌ترین برنامه‌های امام علی (علیه السلام) در دوران حکومت خود و تأکیدی که در مرامنامه حکومتی خود بر آن اهتمام خاص دارد، جلب رضایت مردم است. رضایت مردم با هیچ عاملی قابل جایگزینی نیست و ضامن استمرار حاکمیت و نظام مستقر است. حاکمان خودکامه برای استمرار حاکمیت به اقلیت ناچیز و دستگاه‌های محدود حکومتی تکیه می‌کنند که عملی بی‌ثبات است. در حاکمیت علوی، سرمایه اصلی حاکمیت، رضایت عمومی است.

جلب خشنودی مردم باید گسترده‌ترین امور در نزد حاکمیت باشد زیرا خشم عمومی مردم، خشنودی خواص را از بین می‌برد، اما خشم خواص را خشنودی عمومی بی‌اثر می‌کند (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳).

۵. مهرورزی و گشاده‌رویی با مردم؛

چون مردم (خلق، رعیت) بندگان خدا هستند و در تعبیر ائمه (علیهم السلام) از آنان با عنوان خانواده خدا یاد شده است، «والخلق کلهم عیالک» (کفعمی، ۱۴۰۵: ۵۹۷؛ طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۵۹۲)، از وظایف مهم حاکمان، مهرورزی با مردم است.

اشعر قلبک الرحمة للرعية و المحبة لهم و اللطف بهم و لا تکنون علیهم سبعا ضاربا تغتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق؛ مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار بده، و با همه دوست و مهربان باش، مبادا! هرگز مانند حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ای دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۶۰۰).

توصیه به مهرورزی به غیرمسلمین در پایان کلام حضرت، تمام اشکال آپارتاید و نژادپرستی را محکوم کرده است.

۶. تکریم و احترام به مردم؛

هرچند مؤمن به دلیل خداباوری، ارزشی برتر از کعبه دارد، «عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: المؤمن اعظم حرمة من الکعبة؛ از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که احترام مؤمن از کعبه بیشتر است» (ابن‌بابویه

قمی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۷)، اما نکوداشت جایگاه مردم، منحصر به آنان نیست و شامل آحاد جامعه حتی غیرمسلمانان تحت حاکمیت اسلامی می‌شود.

دستور اکید به کارگزاران حکومتی در فروتنی و تواضع به مردم، از شاخص‌های فرامین آن حضرت است.

اخض للرعية جناحك و ابسط لهم وجهك و ان لهم جانبك و آس بينهم في اللحظة و النظرة و الاشارة و التحية حتى لا يطعم العظماء في حيفك و لا يبأس الضعفاء من عدلك؛ با مردم فروتن، نرم‌خو و مهربان، گشاده رو و خندان باش، در نگاهیت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم‌کاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها از عدالت تو مأیوس نگردند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

بی‌اعتنایی حاکمان و صاحبان قدرت به مردم، از موانع ارتباطی جدی و دلسردی مردم به حکومت است.

حضرت در یکی از نامه‌های خود به یکی از کارگزاران خود به‌نام عمر بن ابی سلمه ارحبی، که تعدادی از مردم تحت حاکمیتش مشرک بودند، او را از تحقیر مردم برحذر می‌دارد (نهج‌البلاغه، نامه ۱۹).

مشورت، از اشکال تکریم مردم است. مشورت گرفتن، اهمیت دادن به نظر مردم و مشارکت دادن آنها در اداره امور است که موجب احساس کرامت در مردم می‌شود و مردم دیده شدن به وسیله حاکمیت را احساس می‌کنند و در ارائه راه‌کارهای برون رفت از مشکلات، بذل نظر می‌کنند و در حسن اداره جامعه مشارکت فعال می‌نمایند و حاکمیت نیز از خرد جمعی که کم‌تر خطا می‌نماید، استفاده بهینه می‌کند.

با وجود برخورداری امام (علیه‌السلام) از علم موهبتی خداآموز (لدى‌اللهی)، به نظام مشورت به‌عنوان یک راهبرد در مدیریت توجه دارد.

ایشان ابن عباس را مکلف به ارائه مشورت می‌کند. «لک ان تشير علی و اری فان عصيتک فاطعنی؛ بر تو است که رأی خود را به من بگویی (مشورت دهی) و من پیرامون آن می‌اندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم، باید اطاعت کنی» (نهج‌البلاغه؛ حکمت ۳۲۱).

الزام اطرافیان به ارائه مشورت برای تصمیم‌سازی و توقع اطاعت موقع فرمان دادن، از اصول اصلی مدیریت است که هر دو در کلام حضرت مورد توجه واقع شده است. خدمت بی‌منت و پرهیز از بزرگ‌نمایی خدمات و عدم خلف وعده، از مصادیق تکریم مردم در ادبیات علوی است.

حضرت در مرام‌نامه حکومتی خودشان خطاب به مالک اشتر می‌نویسند:

و ایاک و المن علی رعیتک باحسانک او التزید فیما کان من فعلک او ان تعدهم فتتبع موعدک بخلفک فان المن یبطل الاحسان و التزید یذهب بنور الحق و الخلف یوجب المقت عند الله و الناس؛ مبادا! هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی، بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای، بزرگ بشماری، یا مردم را وعده داده، سپس خلف وعده کنی، زیرا منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش می‌کند و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزاند (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۴۵۴).

از وظایف حاکمیت، خدمت به مردم به عنوان عیال الله است و در قبال آن، حق منت‌گذاری ندارند. حضرت در این مورد، کارگزاران را از منت به مردم برحذر می‌دارند.

### نظام خبرگیری در گفتمان علوی

صیانت از حاکمان و ممانعت از لغزش آنها با ساز و کار خودکنترلی و تقوای درونی و رصد مدیران و دست‌اندرکاران حکومتی با ابزار نظارتی میسر است. حضرت در شیوه مدیریت و رهبری خود از هر دو مکانیسم استفاده می‌کند.

سیستم خبرگیری در نظام حکومت علوی از طرق مختلفی تأمین می‌گردد که روش‌مندترین و قانون‌مندترین آن، کسب خبر از طریق پنهان و به‌کارگیری شبکه مخبرین و گماشتن جاسوس (عیون) برای خبرگیری و تجزیه و تحلیل اخبار واصله است.

شیوه خبرگیری از شبکه عیون موجب اغماض از اخبار و اطلاعات انبوه مردمی نمی‌شود.

گفتمان‌سازی در حکومت ربانی امام علی (علیه السلام) مردم را به‌نحوی پرورش داده و تربیت می‌کند که آنها بدون اضطراب و لکت زبان و بدون مجامله و در کمال آزادی، اعتراض خود را به حاکم اصلی و تأثیرگذار منتقل می‌کنند. این نوع هنجارسازی موجب دلیری مثبت مردم و تفتن حاکم به نگاه و قضاوت مردم به اجزای حکومت و نظام کارگزاری می‌شود و اصطیاد موارد نارضایتی

مردم از این روش، قابل حصول است تا با رفع مشکلات و مجازات خاطیان به اعتماد مردم به عنوان سرمایه بزرگ اجتماعی حاکمیت آسیبی نرسد.

و اجعل لذوی الحاجات منک قسما تفرغ لهم فيه شخصک، و تجلس لهم مجلسا عاما فتتواضع فيه لله الذی خلقک، و تقعد عنهم جندک و أعوانک من أحراسک و شرطک حتی یکلمک متکلمهم غیر متمتع، فانی سمعت رسول الله - صلی الله علیه و آله - یقول فی غیر موطن: (لن تقدس امة لا یؤخذ للضعیف فیها حقہ من القوی غیر متمتع)؛ بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سربازان، یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند من از رسول خدا ﷺ بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ هاشمی خویی، ۱۴۰۰، ج ۲۰: ۲۷۹).

### لزوم اشرافیت اطلاعاتی

یکی از پیش فرض‌های کنترل مدیران اشراف اطلاعاتی است. در این فرایند، عملکرد مدیران به صورتی نظام‌مند، پایش مستمر می‌شود و داده‌های خبری در مورد کار آنان به اطلاعات قابل سنجش و قضاوت تبدیل می‌شود. ریاست دنیوی، محل لغزش است و سکر ریاست از مستی‌های دیگر دیرپاتر و دامنه‌دارتر است و به همین دلیل گفته‌اند: «و من کلام بعض الصالحین آخر ما یخرج من رؤس الصدیقین حب الرئاسة؛ از بعضی از صالحین نقل شده است، آخرین چیزی که از دل راستگویان خارج می‌شود، دوستی ریاست است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۸۱).

افزایش تعلق خاطر، انسان را سنگین‌پا می‌کند. به همین دلیل عده‌ای، البته منفعلانه، برای فرار از تبعات درگیری با دنیا و امکان عروج معنوی، ترک دنیا و عزلت‌نشینی را پیشه می‌کنند.

بزرگی دیدم اندر کوهساری	قناعت کرده از دنیا به غاری
چرا گفتم به شهر اندر نیایی	که باری، بندی از دل برگشایی
بگفت آنجا پری رویان نغزند	چو گل بسیار شد، پیلان بلغزند

(سعدی، ۱۳۶۵: ۱۴۰)

عطار، داستان صوفی بزرگ، ابراهیم ادهم، را در تذکره *الاولیا* نقل می‌کند که پادشاهی، بلخ را برای سیر و سلوک و انهداد زیرا تعلق به دنیا و حاکمیت و ریاست را در مسانخت با سیر و سلوک نمی‌دید و آن را رهزن عروج معنوی تصور می‌کرد (عطار نیشابوری، ۱۳۸۴: ۹۲).

سیانت از حوزه مدیریتی در اسلام به دلیل تأثیرگذاری آن در حوزه فرهنگ عمومی، از اهم مسائل است. فرایند اشراف اطلاعاتی، عاملی انگیزشی برای مراقبت مدیران از خود و پیشی مستمر توسط مدیران اطلاعاتی است. این رصد دوگانه، خطای مدیران را کاهش و هوشیاری آنان را در برابر خطاهای احتمالی افزایش می‌دهد.

الناس علی دین ملوکهم (ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۹۶۶، ج ۱: ۱۴).

لازمه اصلاح فرهنگ عمومی متأثر از رفتار حاکمان، ایجاد چتر اطلاعاتی در حوزه حکومتی برای مصون‌سازی در مدیران است.

### اهتمام ویژه به گزینش اولیه

علم و آگاهی مدیران به احوال جامعه و کارگزاران حکومتی جایگاه ویژه‌ای در نظام حکومتی علوی دارد. اهتمام حضرت علی (علیه السلام) به انتخاب کارگزاران از خانواده‌های ریشه‌دار (اهل بیوتات صالحه) (نامه: ۵۳) و دارای سوابق درخشان خانوادگی و اینکه افراد در نظر مدیر و مسئول یکسان نباشد و با هر کدام مطابق شأن و عملکرد خود رفتار شود و اینکه وزیران انتخابی، یاران گناهکار و اخوان ظلمه نباشند، حاکی از ضرورت اطلاعات و وثیق و عمیق از لایه‌های اجتماعی و گروه‌های تأثیرگذار است که در این مقاله از این فرآیند به «اشرافیت اطلاعاتی» تعبیر شده است.

ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختیاراً، و لا تولهم محاباة و اثره، فانهم [فإنهما] جماع من شعب الجور و الخیانة؛ سپس در امور کارگزارانت بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶، ج ۱: ۲۱۵).

### ضرورت نظارت حین خدمت

در پارادایم گفتمانی علوی، گزینش اولیه برای استمرار صلاحیت حاکمان کافی نیست و بازرسی مستمر و حین خدمت ضرورت دارد.

با عنایت به موضوع یادشده، سالم‌سازی حوزه ریاست در اولویت اول است و پیش‌فرض ضروری آن، تفتن به رفتار کارگزاران است و بدون آن، ارزیابی امکان ندارد. بیشتر تخلفات مدیریتی در خلاء اطلاعاتی و ناکارآمدی سیستم‌های نظارتی به‌وقوع می‌پیوندد. حضرت امیر (علیه السلام) در مرام‌نامه حکومتی بر این نکته تأکید ویژه‌ای نموده و پیامدهای مثبت آن را گوشزد کرده‌اند.

ثم تفقد اعمالهم و ابعث العيون من اهل الصدق و الوفاء عليهم فان تعاهدك في السر لا مورهم حدوة لهم على استعمال الامانة و الرفق بالرعية؛ پس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانت‌داری و مهربانی با مردم می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳: ۶۰۶).

در عبارت حکومتی بالا، چند مطلب مهم مورد توجه قرار گرفته است:

- ۱- ضرورت بررسی رفتار کارگزاران؛
  - ۲- ضرورت گماشتن جاسوس برای ایجاد چتر اطلاعاتی و اشرافیت به حوزه مدیران؛
  - ۳- لزوم دارا بودن دو خصلت برجسته وفاداری و صداقت برای جاسوس‌ها و شبکه عیون؛
  - ۴- توصیه به پنهان بودن نظام بازرسی؛
  - ۵- این نوع نظام بازرسی متضمن دو نتیجه مهم است، امانت‌داری در صاحبان قدرت و مدارا و رواداری حاکمان با مردم به عنوان رکن مهم جامعه دینی؛
  - ۶- واژه رعیت و خلق در کلام امیرالمؤمنین بار معنایی خاصی دارد و از منشورهای جهانی و حقوق بشر اسلامی است که در دنیای امروز از موارد مباحی و مفاخره پیروان این مرد بزرگ الهی است؛ زیرا در آن، خصوصیت‌های مذهبی، نژادی و جنسیتی ملاک نیست بلکه توده مردم تحت حاکمیت اسلامی، بدون امتیاز خاصی مد نظر است.
- با سیستم نظارت کارآمد، نحوه سلوک صاحبان قدرت با مردم مورد واپایش قرار می‌گیرد و اشتباه آنها تصحیح می‌گردد.

همکاران اطلاعاتی علاوه بر وفاداری و صداقت، در منظر امام علی (علیه السلام) باید دارای خصیصه شجاعت هم باشند، چون کار مهم خبرگیری و خبررسانی با خصلت جبن و بزدلی سازگار نیست.

«ولتكن عيونك الشجعان من جندك، فان الجبان لا ياتيك بصحة الامر؛ بايد جاسوسان را از افراد شجاع و بی‌باک انتخاب کنی، زیرا افراد ترسو از امور واقعی تو را باخبر نمی‌کنند» (العاملی، بی‌تا: ۳۶۵).

وجود خصلت‌های بارز و ممتاز برای عیون و جاسوسان در کلام امام علیه السلام نشان‌دهنده امر خطیر خبرگیری و اشرافیت اطلاعاتی بر مدیران و کارگزاران است.

پالایش مدیران به عنوان یک رویه حکومتی مورد توصیه حضرت به فرمانداران خود است. ان شر وزرائك من كان للاشرار وزيرا و من شرکهم فی الآثام و قام بامورهم فی عباد الله فلا یكونن لك بطانة. فانهم اعوان الائمة و اخوان الظلمة؛ بدترین وزیران تو کسی است که پیش از تو وزیر بدکاران بوده و در گناهان آنان شرکت داشته‌اند. مباهله چنین افرادی محرم راز تو باشند... آنان یاوران گناهکاران و یاری‌دهندگان ستم‌کارانند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ - ۱۳۶۳: ۱۲۹).

پیش‌فرض عدم به‌کارگیری اشرار در وزارت و امارت اسلامی، رعایت حیطة‌بندی اطلاعاتی در مورد آنها و تحفظ بر اطلاعات خودی و اشرافیت اطلاعاتی است.

### نظام پاداش و کیفر در حین خدمت، ضامن سلامت جریان مدیریتی

حضرت ضمن توصیه اکید به مالک‌اشتر در مورد واکنش به رفتار و کردار مدیریتی، فلسفه آن را به‌وضوح بیان می‌کند. بی‌تفاوتی نسبت به کارکرد مدیران، موجب دلسردی افراد خدوم و تجاسر افراد متخلف می‌شود. این رویه مدیریتی در نهایت منجر به سرخوردگی مردم و بدبینی آنان به سلامت حکومت می‌گردد.

لا یكونن المحسن و المسیء عندك بمنزلة سواء فان فی ذلك تزهدا لاهل الاحسان فی الاحسان و تدریبا لاهل الاسائة علی الاسائة و الزم كلا منهم ما الزم نفسه؛ نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌شوند و هرکدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش بده (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۶۳).

پاداش دادن بر اساس کردار بدون اطلاعات دقیق از اعمال و رفتار و انعکاس و بازخورد و ظهور و بروز آنها امکان‌پذیر نیست. لذا پیش‌فرض تشویق و تنبیه، آگاهی از کارکرد عمال و مسئولین امر است.

## ایجاد نظام امنیتی و خبرگیری در مدیریت علوی

حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر توصیه مدیریتی در مانیفست و مرامنامه حکومتی به مالک اشتر، صیانت از مدیران را در سیره عملی خود به منصف ظهور می‌رساند. ایشان با ایجاد یک سیستم اطلاعاتی دقیق و جامع، رفتار والیان، استانداران و کارگزاران خود را زیر نظارت نقادانه خود قرار می‌دهد و پایش و رصد مستمر مدیران و صاحبان قدرت را به یک هنجار مدیریتی قابل تأسی تبدیل می‌نمایند و مطابق اخبار عیون و جواسیس خود نسبت به آنان موضع‌گیری می‌کنند. نامه‌های عتاب‌آلود، ملامت‌آمیز و توبیخ‌گونه حضرت، مشیر به این رویه سازنده و قابل تأسی است. صلاحیت اولیه، کسی را از نظارت حین خدمت معاف نمی‌کند و هر فردی ممکن است در زمان تصدی قدرت، گرفتار فساد ناشی از سکر قدرت شود.

بررسی محتوای نامه‌های مدیریتی نهج‌البلاغه، پژوهشگر را به وجود یک شیوه سازمان‌یافته و اصولی برای جمع‌آوری اخبار و اطلاعات و سیستم پردازش داده‌ها و تصمیم‌گیری مطابق خروجی آن رهنمون می‌گردد. نقطه عطف نامه‌ها، توجه به رأس هرم قدرت و تأثیرگذارترین نهاد در روند زندگی و زیست اجتماعی مردم است. چون قدرت فسادآور است، کنترل قدرتمندان در اولویت قرار دارد و با کنترل قدرتمندان و پالایش حکومت از فساد احتمالی، ضمن تحصیل اعتماد توده مردم به‌عنوان سرمایه اجتماعی، اعمال قانون و پذیرش آن از سوی مردم آسان می‌گردد. این رویه نقش بی‌بدیلی در توسعه عدالت و ایمنی در زندگی مردم و تربیت اقشار ملت دارد. مردم در سایه عدالت اسلامی، نفس راحتی می‌کشند و احساس فراخی و آرامش می‌کنند ولی مسئولین دغدغه انجام صحیح وظایف خود را بیش از مردم عادی دارند و در صورت ارتکاب تخلف، جرم و امر خلاف شأن، مورد توبیخ قرار می‌گیرند.

### تجزیه و تحلیل گزارش‌های امنیتی و اطلاعاتی مندرج در نامه‌های نهج‌البلاغه

سیاق نامه‌های حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حاکی از وصول گزارش‌ها در مورد عملکرد حاکمان است که به شیوه متعارف سیستم‌های خبررسانی، واصل و پس از ارزیابی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.



حضرت در بیش از ۱۵ مورد از ۷۹ نامه خود از کلمه «بَلَّغْنِي» و مشابه آن استفاده کرده است که حاکی از نظام هوشمند اطلاعاتی برای کنترل کارگزاران حکومتی است. واکنش‌های حضرت به گزارش‌های واصله به‌عنوان رفتار معیار و الگو، درخور امعان نظر است. گزارش‌ها طیف وسیعی از رفتارهای خلاف شأن و شرع و موارد ایجاد نارضایتی و ... را شامل می‌شود. چند نمونه از نامه‌های حضرت را در این مورد بررسی می‌نماییم:

۱- «اما بعد یابن حنیف فقد بلغنی ان رجلا من فتیة اهل البصرة دعاک الی مادبة فاسرعت الیها تستطاب لک الالوان و تنقل الیک الجفان...؛ ای پسر حنیف! به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به میهمانی خویش دعوت کرده است و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی‌درپی جلوی تو نهادند...» (نهج‌البلاغه: نامه ۴۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۱۵۹).

بهره‌برداری از این خبر، مبتنی بر گزارش است که کلمه «بلغنی» مشیر به آن است و در ضمن مشعر بر انتظار ویژه از مدیران اسلامی است که در جلسات خلاف شأن هرچند غیرشرعی هم نباشد، مشارکت نمایند.

۲- «بلغنی عنک امر ان کنت فعلته فقد اسخطت الهک و عصیت امامک انک تقسم فیء المسلمین الذی حازته رماحهم و خیولهم و اریقت علیه دماؤهم فیمن اعتماک من اعراب قومک فو الذی فلق الحبة و برا النسمة لئن کان ذلک حقا لتجدن لک علی هوانا؛ گزارشی از تو به من رسیده است که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای و آن این است که غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گردآورده و با ریخته شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند، می‌بخشی. به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید! اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است» (نهج‌البلاغه: نامه ۴۳).

در بیان یادشده، گزارش مخبرین مورد توجه ویژه حضرت واقع شده است. بیان جمله‌های مشروط حاکی از دریافت گزارش به روال معمول در نظام‌های اطلاعاتی است که در صورت اثبات، پیامدهای آن دامنگیر حاکم مزبور خواهد شد.

در این جملات، حساسیت امام (علیه السلام) به عملکرد حاکم کاملاً مشهود است و ایشان با عبارتهای کوبنده و شدیدالحن عملکرد خلاف آن را مورد نکوهش قرار داده است.

در نامه‌ای دیگر با صراحت به گزارش مأمور اطلاعاتی اشاره شده است.

۳- «فان عینی بالمغرب كتب الی یخبرنی انه قد وجه الی الموسم ناس من العرب من العمی القلوب الصمّ الاسماع الکمه الابصار الذین یلبسون الحق بالباطل و یطیعون المخلوقین فی معصیة الخالق...؛ همانا مأمور اطلاعاتی من نوشته است که گروهی از مردم شام برای مراسم حجّ به مکه می‌آیند، مردمی کوردل، گوش‌هایشان در شنیدن حق ناشنوا و دیده‌هایشان نابینا که حق را از راه باطل می‌جویند و بنده را در نافرمانی خدا فرمان می‌برند...» (ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۴۸).

چتر اطلاعاتی در حوزه سرزمینی دشمن و رقیب، از یک مرکز هوشمند و مدبّر در مرکز حکومت حکایت دارد که در اصطلاح روز به آن عملیات جاسوسی اطلاق می‌شود. امنیت یک مقوله یک‌پارچه است که داخل و بیرون را هم‌زمان پوشش می‌دهد و در صورت غفلت از یکی، خلاء اطلاعاتی اتفاق می‌افتد که آفت امنیت است.

کلمه «عینی» به‌روشنی مشعر بر وجود سازمان اطلاعاتی در نظام علوی است که ضمن کنترل مدیران و حاکمان، کوچک‌ترین تحرک در حوزه دشمن را با ذکر جزئیات گزارش می‌دهد.

۴- «فان دهاقین اهل بلدک شکوا منک غلظة و قسوة و احتقارا و جفوة و نظرت فلم اهرم اهلا لان یدنوا لشرکهم و لا ان یقصوا و یجفوا لعهدهم فالبس لهم جلبابا من اللین تشوبه بطرف من الشدة و داوول لهم بین القسوة و الرافة و امزج لهم بین التقریب و الادناء و الایعاد و الاقصاء؛ همانا دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت، قساوت، تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. درباره آنها اندیشیدم، نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتم زیرا که مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری هستند، زیرا که با ما هم‌پیمانند؛ پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم درآمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش و اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن رعایت کن» (نهج‌البلاغه: نامه ۱۹).

این نامه خطاب به فردی به نام عمر بن ابی سلمه ارحبی است که در فارس حکومت می‌کرد. حضرت با وجود مشرک بودن شاکیان، شکایت آنان را از طریق گزارش مردمی دریافت و مورد

بررسی قرار داده و به حاکم خود روش اعتدال در رفتار را توصیه می‌کند و قساوت و سخت‌گیری نابجا را برای مردم مستقر در سرزمین اسلامی و هم‌پیمان و لو غیر هم‌کیش روا نمی‌دانند.

۵- «یا خالد بن المعمر ان کان ما بلغنی عنک حقا فانی اشهد الله و من حضرنی من المسلمین انک آمن حتی تلحق بالعراق او بالحجاز او ارض لا سلطان لمعاویة فیها و ان کنت مکذوبا علیک فابر صدورنا بایمان نظمئن ایها فحلف له بالله ما فعل و قال رجال منا کثیر و الله لو نعلم انه فعل لقتلناه؛ ای خالد بن معمر! اگر آنچه به من گزارش داده‌اند درست باشد، من خدا و این گروه مسلمان را که به دعوت من اینجا گرد آمده‌اند، گواه می‌گیرم که تو از هر گزندی ایمن باشی تا به عراق یا حجاز یا هر سرزمینی که زیر سلطه معاویه نباشد بروی و اگر دروغی بر تو بسته‌اند، به سوگند خود دل‌های ما را بر خویش خوش‌گمان کن که (بیش از پیش به تو) مطمئن شویم. پس وی سوگند به خدا خورد که چنان نکرده (و مکاتبه‌ای با معاویه نداشته) است، و بسیاری از مردان ما گفتند: به خدا! اگر بدانیم چنان کرده باشد، او را خواهیم کشت» (نصرین مزاحم، ۱۴۰۴: ۲۸۸).

حضرت در نامه‌ای شدیدالحن به منذر بن جارود، از رفتار ناشایست ایشان به‌عنوان کارگزار از طریق گزارش مخبرین و با بیان معلق و مشروط به شدت انتقاد می‌کند.

۶- «لئن کان ما بلغنی عنک حقا لجمال اهلک و شسع نعلک خیر منک؛ اگر آنچه به من گزارش شده، درست باشد، شترِ خانه‌ات و بندِ پاپوش و کفش‌ت از تو بارزتر است» (تقفی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۸۹۸).  
بیان مشروط و عدم استناد به علم غیب و امور غیرمعارف، حاکی از وجود نظام خبرگیری معمولی متکی به گزارش عیون و مخبرین است.

۷- «بلغنی انک ابعت دارا بثمانین دینارا و کتبت لها کتابا و اشهدت فیه شهودا فقال له شریح قد کان ذلک یا امیر المؤمنین قال فنظر الیه نظر المغضب؛ به من خبر دادند که خانه‌ای به هشتاد دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. شریح گفت گزارش درست است ای امیر المؤمنین! حضرت نگاه خشم‌آلودی به شریح نمود» (نهج البلاغه: خطبه ۳؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۳۱۱؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۴۶؛ العالمی، بی تا: ۱۱۴).

برخورد با شریح همانند تذکر به عثمان بن حنیف است. عمل مباح اما خلاف شأن حاکمان اسلامی است و با دریافت گزارش، حضرت او را مورد پرسش قرار می‌دهد.

چند مسئله مهم مدیریتی از بررسی محتوای نامه‌های حضرت علی (علیه السلام) قابل بهره‌برداری است:

۱- استفاده از شیوه‌های عقلانی و عرفی و نظام متعارف در سالم‌سازی ارکان قدرت به‌جای استفاده از علم غیب و اشرافیتهایی که بر جهان خلقت دارد. این شیوه، سیره عملی حضرت را برای هر فرد عاقلی تبدیل به الگو نموده است.

۲- صدور خطا از سوی صاحبان قدرت و حاکمان غیرمعصوم حتی در حکومت ظاهری معصوم (علیه السلام) امکان دارد و عبور از فیلترهای گزینشی و اعتماد اولیه شخصیتی مثل علی بن ابی طالب (علیه السلام) هم، نظارت در حین ادای وظایف و انجام مأموریت را بلاموضوع نمی‌کند، زیرا سریر قدرت و حکومت از لغزشگاه‌ها است.

۳- در حکومت عدالت‌محور علوی، هیچ‌کس دارای حریم امن و مصون از تبعات اشتباه خود نیست و گذشته مثبت و احراز حد نصاب در حین گزینش، دلیل عدم احساس مسئولیت و عمل مطلق‌العنان حاکمان نمی‌گردد و همواره افراد مسئول و کارگزار، باید مراقب رفتارهای خود باشند و از پیامدهای کارهای نادرست خود بیمناک گردند.

## نتیجه

از ۷۹ نامه حکومتی امام علی (علیه السلام) در بیش از ۱۵ نامه، مطالب توبیخ‌آمیز مبتنی بر گزارش عیون و شبکه مخبرین نسبت به کارگزاران حکومتی صادر شده است. از بررسی سیاق و مهندسی کلام‌های حضرت، نتایج زیر به دست می‌آید:

- ۱- توصیه به نزاهت نفس و پالایش درون از طریق تقوا و خداترسی به مدیران جامعه؛
- ۲- گماشتن گزارشگران مورد اعتماد در کنار استانداران و کارگزاران حکومتی برای ایجاد چتر اطلاعاتی و اشرافیت همه جانبه به آنها؛
- ۳- مخفی بودن عیون و شبکه مخبرین و حساسیت‌زدایی از کارگزاران و سهولت کار مخبرین، روح حاکم بر نحوه بیان چنین مطلبی را افاده می‌کند؛
- ۴- توجیه بودن عیون و مخبرین به شیوه گزارش به‌نحوی که هم واقعیت‌های جاری در حوزه حکومتی به‌استحضار حضرت برسد و هم شبکه اطلاعاتی افشا نگردد؛

- ۵- اهمیّت دادن به گزارش و تحقیق پیرامون آنها. بیان مشروط نسبت به مفاد گزارش‌ها حاکی از برخورد حکیمانه حضرت به‌عنوان شیوه عرفی و عقلانی قابل تأسی است. ممشای ایشان نوعی هنجارسازی در رصد و پایش صاحبان قدرت است به‌نحوی که بین حقّ حکومت دینی و حیثیت افراد موضوع گزارش، جمع گردد.
- ۶- تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از بررسی گزارش‌ها، چرا که سیستم اطلاعاتی از ابزارهای مهم نظام تصمیم‌سازی است که به‌صورت مویرگی در جامعه ایجاد شده است، این سیستم بهترین شیوه ایجاد مصونیت و پالایش است.
- عدم استفاده از علم امامت در اغلب تدابیر حکومتی. این، نوعی گفتمان‌سازی است. یعنی برای صیانت از سلامت حکومت، از شیوه‌های عقلی باید استفاده کرد.

### فهرست منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج‌البلاغه لابن ابی الحدید، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الامالی (للصدوق)، تهران: کتابچی، چاپ ششم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵-۱۹۶۶)، علل الشرایع، قم: کتاب‌فروشی داورى.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴-۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶ق)، مکاتیب الأئمه عليهم السلام، قم: دارالحدیث.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۴۱۰ق)، الغارات أو الإستنفار و الغارات (ط) - القدیمه، قم: دارالکتاب الإسلامی، ۲جلد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۳)، آشنایی با حفاظت اطلاعات، ناشر مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- سعدی، شیخ مصلح الدین (۱۳۶۵)، کلیات سعدی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: موسسه فقه الشيعه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الامالی (للطوسی)، قم: دارالثقافه.
- العاملي، جعفر مرتضى (بی تا)، موسوعه الاستخبارات و الامن فی الآثار و النصوص الاسلاميه، بیروت: دارالامير.
- العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- علوی فر، سیدناصر (۱۳۸۵)، راه کارهای تأمین و توسعه امنیت، نشر جهانگیر.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم: انتشارات رضی.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق)، المصباح للكفعمی (جنه الامان الواقیه)، قم: دارالرضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحارالانوارالجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، وقعه صفین، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه و تکمله منهاج البراعه (خویی)، تهران: مکتبه الإسلامیه، چاپ چهارم.